



اشکال دوم)

تحذر اگر حُسن دارد برای آن است که آدمی گرفتار مفسده نشود. پس باید ابتدا مکلف ثابت کند که اگر تقلید نکند، گرفتار مفسده می‌شود و بعد از این مفسده تحذر کند و تقلید نماید.

به عبارت دیگر تحذر در جایی لازم و مطلوب است که «مفسده‌ای در صورت عدم تحذر حاصل باشد»، پس باید ابتدا ثابت کنیم، تقلید نکردن مفسده دارد، بعد ثابت کنیم تحذر واجب است. در حالیکه به وسیله آیه نفر می‌خواهیم ثابت کنیم تحذر واجب است پس تقلید واجب است.

جواب:

مکلف در مرحله اول به علم اجمالی می‌داند که مجموعه‌ای از تکالیف در حق او ثابت است و باید نسبت به آنها ذمه خود را بری کند و بعد آیه نفر می‌گوید که اگر عالمی انذار داد، به انذار او توجه کند و به آن ترتیب اثر بدهد. پس همین آیه کافی است که وجوب ترتیب اثر دادن به انذار را (که همان تقلید است) ثابت کند. و به عبارت دیگر تحذر در جایی مطلوب است که «احتمال مفسده در صورت عدم تحذر وجود داشته باشد» (و نه صورتی که یقین به وجود مفسده داشته باشیم) و در بحث تقلید، «احتمال مفسده» از ناحیه علم اجمالی حاصل است.

اشکال سوم)

تفقه در روزگار قدیم همانند تفقه در روزگار ما نیست. و آیه نفر، تحذر از تفقه زمان قدیم را ثابت می‌کند.

جواب:

مرحوم نائینی پاسخ می‌دهد:

«ان التفقه فی الأعصار المتأخرة و إن كان هو استنباط الحكم الشرعی بتتقیح جهات ثلاثة الصدور و جهة الصدور و الدلالة و من المعلوم ان تنقیح الجهتين الأخيرتين مما يحتاج إلى إعمال النظر و الدقة إلا ان التفقه فی الصدر الأول لم یکن محتاجا إلا إلى إثبات الصدور لیس إلا لکن اختلاف محقق التفقه باختلاف الأزمنة لا یوجب اختلافا فی مفهومه فکما ان العارف بالأحكام الشرعیة باعمال النظر و الفكر یرصدق علیه الفقیه كذلك العارف بها من دون إعمال النظر و الفكر یرصدق علیه الفقیه حقیقة»^۱

اشکال چهارم)

انذار به معنای هشدار درباره امور برزخ و معاد است و ربطی به مباحث فقهی ندارد.

جواب:

مرحوم نائینی پاسخ می‌دهد:

۱. همان؛ ایضا ن ک: کفایه، ج ۲، ص ۷۴



«ان لفظ الإنذار و ان كان ينصرف إلى الابتدائی بذكر عوالم البرزخ و النار و أمثالها كما هو شأن الوعّاظ إلا انه ابتدائی لا يوجب اختصاص اللفظ به فيكون الإنذار المذكور في الآية أعم منه و من الإنذار التبعية الضمنية الملازم لبيان الواجبات و المحرمات و لو سلم الانصراف الحقيقي فوقه متفرعا على التفقه يكون قرينة موجبة لصرفه إلى خصوص الإنذار التبعية الموجود في فتوى الفقيه أو اخبار الراوى»^۱

توضیح:

۱. اولاً انذار اعم است از انذار مستقیم به قیامت و انذار تبعی (به اینکه بگوییم اگر واجبات و محرمات را انجام ندهید، در قیامت، عقاب می شوید)
۲. ثانیاً: اگر بپذیریم که لفظ «انذار»، منصرف است به «انذار مستقیم به قیامت»، می توان در آیه شریفه گفت: «به قرینه اینکه انذار بعد از تفقه آمده است، مراد از انذار، انذار تبعی است».

ما می گوییم:

اگر جواب اول را نپذیریم، می توان در پاسخ دوم خدشه کرد که ممکن است «انذار» را قرینه بگیریم برای اینکه معنای «تفقه» را در معنای مسائل کلامی قرار دهیم.

ان قلت: آیه نفر در مقام ترویج فراگیری است و بحث از قیامت و توحید و رسالت، محتاج نفر نبوده است.
قلت: فراگیری آیات قرآن و تعلیم آن محتاج نفر بوده است.

اشکال پنجم)

صدر آیه، می گوید که «طایفه ای کوچ کنند» و این دال بر آن است که قول یک نفر حجت نیست، بلکه باید تعدادی یاد بگیرند و پس از بازگشت انذار دهند. و این به نوعی اشاره به عموم مجموعی دارد. پس «قول همه طایفه، پس از بازگشت» حجت است و این به معنای حجیت قول یک نفر مجتهد نیست.

جواب:

مرحوم نائینی پاسخ می دهد:

«ان صدر الآية و هو قوله تعالى فلو لا نفر من كل فرقة منهم طائفة و ان كان لا يأبی عن حمله

على العموم المجموعی إلا أن قوله تعالى لیتفقها إلى آخره ظاهر فی العموم الاستغراقی»^۲

ما می گوییم:

بلکه ظهور صدر در عموم مجموعی، می تواند قرینه بر ظهور ذیل («لیتفقها» و «لینظروا») در عموم مجموعی باشد.

۱. همان

۲. همان